

سینمای جوان

این افول را جدی بگیریم

علی مصلح حیدرزاده

سال جدید میلادی برای سینمای مستند و فیلم کوتاه ایران چندین خوش یمن نبوده است. در عرصه داخلی روند تطبیلی موقت و دائم تعدادی از مهم‌ترین رویدادهای تخصصی سالانه ادامه یافته که مهم‌ترین نمونه جشنواره سینمای مستند کیش بود. این جشنواره پس از شش دوره به عنوان تنها رویداد مستقل سینمای مستند به عرصه‌ای تأثیرگذار بدل شده بود و طی روندی منطقی مراحل پیشرفت از یک جشنواره داخلی به منطقه‌ای و سپس جهانی را طی کرده بود. اما در حالی که مستندسازان در انتظار برگزاری هفتمین دوره برگزاری‌اش بودند، ناگهان با کنار گذاشته شدن کامران شیردل، مؤسس و دبیر جشنواره توسط مسولان وقت مؤسسه توسعه سیاحتی کیش، این جشنواره اسیر عهده و وعده‌های میوه‌ده شده عاقبت کارش به تعطیلی کشید. هر چند که اخیراً دوباره حربه و حدیث‌های دربار برگزاری آن در پاییز ششده می‌شود. ظاهراً عده‌ای حتی یک رویداد مستقل را تاب آورده‌اند و می‌خواهند آن را به یک جشنواره دولتی پی خاصیت بگیرند تبدیل کنند. خوشبختانه فیلم کوتاه سینمای مستند زود به عنوان رویدادی درخور توجه شناخته شده بود، سرسوزنی بهتر از جشنواره کیش نداشت و پس از دوره تعطیلی‌اش شدت آن در جشنواره سینمای مستندهای شیراز فرهنگت یادگار هم که سال گذشته برگزار شده و عده برگزارگران آن ۸۵ داده شد. خبری نیست و دوباره قرار است مرور دره‌های گذشته‌اش برپا شود!

با این حساب این میزان افول عکس فیلسازان جوان که معمولاً در ادبیات رسمی به آن تافخر می‌شود، عملاً سه جایگاه مهم برای بروز و ارتقاء با مخاطب را به همین راحتی از دست داد. جایگاه‌هایی که به سستی می‌توان برایشان جایگزین پیدا کرد و تازه، در این صورت چه آزمون و خطاها که باید از سر گرفته شود و چه نبروهایی که باید از نو به خدمت درآید تا شاید بتوان خسارت گذشته را جبران کرد.

اما در عرصه جهانی هم اقبال به فیلم‌های کوتاه و مستند ایرانی کاهش چشمگیری داشته است. جشنواره‌های مهم، معتبر و تأثیرگذار فیلم کوتاه و مستند طاهرا از آثار جوانان مستندساز روی برگردانده‌اند این روند با جشنواره سینماسترام که مهم‌ترین رویداد سالانه سینمای مستند جهان محسوب می‌شود در نوامبر ۲۰۰۵ آغاز شد و هیچ مستند ایرانی‌به‌ی بخش‌های رقابتی اصلی آن راه نیافتاد. در حالی که به نظر می‌رسد این رویداد تازه نسل جدید مستندسازان ایرانی را کشف کرده و می‌تواند به سکوی پرتاب این نسل تبدیل شود. پس از آن، جشنواره‌های دیگر هم ناهیدمه گرفتن فیلم‌های کوتاه و مستند را فراموش نکرده‌اند. جشنواره فیلم کوتاه گلرمن فران، جشنواره مستند و مستند، جشنواره اوربوزهاون و جشنواره اراکونو لیسان شافش‌ترین نمونه‌ها هستند. جانب است که به یاد می‌آوریم در سال ۲۰۰۵ در مونخ و کارو تعداد قابل توجهی فیلم ایرانی به نمایش درآمد و جوایز مهمی از این دو رویداد هم نصیب سینمای ایران شد. دیالوگ این افول تدریجی را که می‌تواند یکی از مهم‌ترین نقاط اتصال جهان به فرهنگ و هنر ایران را متزلزل کند باید به شکل جدی بررسی کرد. اخیراً به دلیل غیبت سینمای ایران در جشنواره کن اظهار نظرهای عجیب و غریب و غیر کارشناسی فراوان از طرف سینماگران (نخه) طرح شد که نشانه بیگانگی با مناسبات بین‌المللی است. حتی یکی از اعضای هیأت مدیره خانه سینما، که با یک «موکت قرمز» به تعدادی بازیگر و ستاره خوانند و گفت که غیبت سینمای ایران در این رویداد اهمیت ندارد! اما اگر به یاد می‌آوریم کن و مشاهرتش، مهم‌ترین بازار سینمای متفاوت و هنری دنیا هستند، هرگز از غیبت کشورمان در چنین بازاری خوشحال نمی‌شویم. اگر یک آسیب مهم سینمای متفاوت ایران، تأثیرپذیری بیش از حد از سلاطین جشنواره‌های خارجی است، برای دوری از این پدیده نباید از آن سوای پام سقوط کرد.

برای فیلم‌های کوتاه و مستند غیبت در عرصه عکس‌گیری به مراتب بیشتر گران می‌آید. این حیطه عملاً چیزی به اسم اکران و نمایش وجود ندارد و کانال‌های داخلی برای هر چه اطلاعاتی عملاً وجود ندارد. بنابراین بازار بین‌المللی عکس‌ها محل جذب سرمایه برای سینمای مستند و کوتاه مستقل و غیرسلفارسی است. تا دوام این روند می‌تواند این جریان فرارگیر را که طی سال‌های اخیر شکل گرفته، به شدت تهدید کند.

مرور فیلم

پنج دلیل برای دیدن آتش بس وقتی یوسف سایه را ملاقات می‌کند

کیان محمدی

برای دیدن آتش بس کلی دلیل دارم. این معنی‌اش این نمی‌شود بی‌نقص بودن فیلم یا این که فیلم تازه تمپه سینمای خفیلی اتفاق عجیب و غریب است ولی به هر حال در این آشنه بازار سینمای ایران فیلمی که بتواند یک قدم از دو ساعتی را که نوی سالن نشسته‌اند سرچالان بیرون بکشد پیدا می‌شود. یک: تمپه سینمایی آن اولین کارش یک کمدی خوب و جمع و جور ساخت به نام دیگه چه خبر؟ که اتفاقاً گیشه خوبی هم داشت و منتقدان هم خیلی به آن حمله نکردند. حتی فیلم طرفدارانی هم در میان این جمعیت داشت. دیگه چه خبر؟ کمدی کمدی جادایی بود که به واسطه روحیه زنانه کارگردانش به نتایج اشاره می‌کرد که پیش‌تر چندان به چشم نیامده بود. بعد از آن میلانی پانزده سال در جبهه فمینیسم جنگیده و حالا به آتش بس رسیده. یک کمدی جذاب که نشان می‌دهد این تمپه سینمایی جقدر بهتر از آن فمینیست دواتشه و جنگو فیلم می‌سازد. حتی اگر یکی در میان گفت و گو کند که به کسی آتش بس ن داده ام. دو: در سینمایی که اصولاً زشت بودن یک فیصلت محسوب می‌شود آتش بس کاری می‌کند که در سالن سینما قلبت نکیرد. همه چیز تر و تمیز و شیک است. هیچکس برای زشت بودن تلاش نکرده. کیکاووس یکمده را در تمام این متن ذکر نمی‌کنیم. و حتی جلال معریان به عنوان طراح رسمی کرده صورت دو ستاره اولی فیلم جذاب‌تر از همیشه هم دیده شود. تا حدی که گاهی آن جذابیت‌ها غایب شده به نظر می‌رسد. فکر نمی‌کنم کسی هم آنقدر مریض باشد که از این بازی و جذابیت بدش بیاید. سه: در سینمای آمریکای جور کمدی ساخته می‌شود که شکل روانی ساده دارد. در آن نخستین ملاقات دختر و پسر شروع می‌شود، بعد نرفت، بعد عشق و بعد مشکلات بعدی. همه این اتفاقات هم در یک بستر کمدی بزن تکوب اتفاق می‌افتد و نمونه‌ای از این مدلش هم به عنوان یک الگو وقتی هر سالی را ملاقات می‌کند با بازیگران و بازی‌هایی که در آن قرار می‌گیرد. کلاً کمدی‌ها دیگر را بیانی همین ویژگی می‌کند و سینمای ایران هم به تبعیت از آن سینما این فرمول را برای قصه‌های عاشقانه‌اش برمی‌گزیند. آتش بس ولی حداقل تا سه چهارم از زمانش این فرمول را درست به کار می‌نهد و بخش عمده‌ای از جذابیتش از همین ویژگی می‌آید. این که برای عرق فیلم ممیزی دو کارتر اصلی آن را زن و شوهر در نظر می‌گیرد و لاجب‌ها و شیفت‌ها را هم درون این رابطه می‌گذارد (دقیقاً هوشنندی پیوسته این است هر چند در پایان برای خلاصی از چیزی که شکل داده، مجبور می‌شود یکی دو پرده آموزشی نبوسد تا اختلافاتی را که در این حد میان زن و شوهر بالا



پنج: همچنان شوخی‌ها مهم هستند و جذاب. اگر این را در نظر بگیرد که نخستین شوخی فیلم - سوار شدن مرد مزاحم و بیرون انداختن آن ماشین - بگه‌ها از وسط کمدی ناخواسته‌ای مثل زن زیادی میان این فیلم سردرآورده و این شوخی‌ها نمایانگر آن وقت چیزهای زیادی برای خندیدن هست. روکم کنی‌های میان میانه و یوسف و ویژه جالبی که دیگه زن و شوهر هستند و دعوایشان بالا می‌آید به شدت دوست داشتنی است. اصلاً از همان روز اول از دوام هر جا می‌گذرد به شدت رفقای مزاحمشان - که از وسط همان الگوی آمریکایی می‌آیند اما نمی‌فهم چرا آن کارگردان در این فیلم می‌باید - با هم بگویم می‌کنند. فیلم مخاطب را همراه خودش می‌کند و به هفتش می‌رسد. حتی وقت و پرگتت‌ها هم این که قصه‌ها اما با واکنش‌های لحظه‌ای آنیلا پسبانی‌ها به آمده است. شش: در این سال‌ها تمپه سینمایی زیر تیغ منتقدان بوده است. فیلسازی که دوسه کار آخرش جایگاهی را که پیش‌تر هم برایش قائل بودند از او گرفت و در این اتفاق خوبی نبود. آتش بس حالا به بازگشت سینمای است. فیلمی که او در آن حرف‌های را می‌زند اما تماشاگر را عصبی هم نمی‌کند. همه چیز البته و راه‌تر بود اگر می‌تواند. ۲۰ دقیقه‌ای درس روانشناسی نهد و تمپه پندیشند ۲۵ میلی‌توری بود. ۲۰ دقیقه‌ای درس روانشناسی نهد و تمپه پندیشند اما در همین چند بازی کارگردانی که آخرین فیلمش زن زیادی بوده، خیلی خوب است. آتش بس بر از شوخی‌های است که در ذهن می‌ماند و ممکن است در برخی دیالوگ‌ها باشد در آنکه انداختن زن و شوهری باب هم نشود. آتش بس به سستی که پیش‌تر گفته موفق است و این برای میلانی و فیلم تازه‌اش کافی به نظر می‌رسد.

What's up?!



کلاً بازاریوس می‌پوشد. پیش از این به تندی نیوتن پیشنهاد شده بود تا دوباره به نقش شخصیتش در فیلم دوم را بازی کند که او نیز پذیرفت. به این ترتیب در فیلمنامه شخصیت جدیدی خلق شد تا کری-آن ماس نقشش را ایفا کند؛ اما در نسخه نهایی این شخصیت به طور کامل حذف شد. اسکارلت جوهارنس هم ابتدا برای بازی در فیلم قرار داده شده بود که کناره گرفت و کری راسل (ستاره سریال پلیسیست) جای او را گرفت. کنت برانا هم که قرار بود نقش منفی را داشته باشد، به خاطر بازیهای مکرر فیلمسرداری و تمپه بازی، در فیلم‌های دیگر جایش را به فیلیپ سمور هافمن داد. به هر ترتیب فیلم ساخته شد و اینت هانت و تیم IMF یک بار دیگر درگیر عملیات جاسوسی پیچیده‌ای شدند تا مجموعه، طرفداران حضوری چند هزار نفر در نمایش‌های بازرگانی داشته‌اند و تقه‌ها هم تا به حال زیاد افتاده‌اند. فیلم ساخته شد و اولین هفته اولی فیلم هم تا چند روز دیگر مشخص می‌شود و اولی وقت می‌توان راجع به موفقیت تجاریش هم قضاوت کرد. اما تقریباً غیر ممکن است که فیلم ۳ هم به بدی فیلم ۲ باشد.

گرفته درست کند. با این حال در آن سه چهارم همه چیز زیادی شکل گرفته است. چهار: آتش بس از خنده روده برتان نمی‌کند. ویژگی‌اش این چیز دیگری است. به همان رابطه لجزاانه‌ای می‌پردازد که بیرون پرده سینما و در روی همان صندلی تماشاگر آن هم جریان دارد و خیلی زود می‌تواند قضا را زنانه مردانه کند. شوخی‌ها دقیقاً تکبک میان زن و مرد دارند و برای همین ناخواسته همدات پنداری برمی‌انگیزد. این که میلانی تا آن سه چهارم سعی می‌کند خود را یک آدم مودکرات معرفی کند هم به این مساله کمک می‌کند و برای همین اگر آن یک چهارم نه‌ها شکسته می‌شود، در باقی دقایق با دو کاراکتر ملموس طرفیم که می‌توانند در صندلی چپ و راست خودمان نشسته باشند. این هم یعنی موفقیت.

چه خبر!؟

چهارمین جشنواره فیلم مستند ایران

استقبال اولیه از فیلم احتمال موفقیت آن را تایید می‌کند

ماأموریت غیر ممکن ۳ شکسته شد

کرواز بازرسی می‌پوشد. پیش از این به تندی نیوتن پیشنهاد شده بود تا دوباره به نقش شخصیتش در فیلم دوم را بازی کند که او نیز پذیرفت. به این ترتیب در فیلمنامه شخصیت جدیدی خلق شد تا کری-آن ماس نقشش را ایفا کند؛ اما در نسخه نهایی این شخصیت به طور کامل حذف شد. اسکارلت جوهارنس هم ابتدا برای بازی در فیلم قرار داده شده بود که کناره گرفت و کری راسل (ستاره سریال پلیسیست) جای او را گرفت. کنت برانا هم که قرار بود نقش منفی را داشته باشد، به خاطر بازیهای مکرر فیلمسرداری و تمپه بازی، در فیلم‌های دیگر جایش را به فیلیپ سمور هافمن داد. به هر ترتیب فیلم ساخته شد و اینت هانت و تیم IMF یک بار دیگر درگیر عملیات جاسوسی پیچیده‌ای شدند تا مجموعه، طرفداران حضوری چند هزار نفر در نمایش‌های بازرگانی داشته‌اند و تقه‌ها هم تا به حال زیاد افتاده‌اند. فیلم ساخته شد و اولین هفته اولی فیلم هم تا چند روز دیگر مشخص می‌شود و اولی وقت می‌توان راجع به موفقیت تجاریش هم قضاوت کرد. اما تقریباً غیر ممکن است که فیلم ۳ هم به بدی فیلم ۲ باشد.

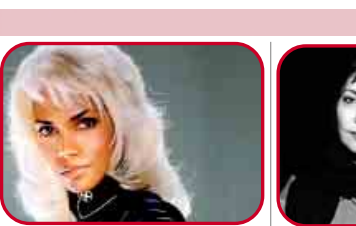
افشین ابراهیمی

«ماأموریت: غیر ممکن ۳»، بالاخره هفته گذشته به نمایش درآمد و به پهنه‌گان و هم منتقدان استقبال نسبتاً خوبی از آن کرده‌اند. نخستین بار که صحبت از ساخت فیلم سوم مطرح شد، سال ۲۰۰۰ و بعد از فروش خوب فیلم دوم بود. هر چند که فیلم اول (به کارگردانی بریانی دی پالما) جذاب و درخشان بود و داستان تیم جاسوس سریال قدیمی را به خوبی به روز می‌کرد، فیلم دوم (به کارگردانی جان وود) علی‌رغم فروش بسیار زیادش، فیلم بسیار ضعیفی بود. نام کرووز تهیه کننده سعی کرده بود فیلمنامه‌ای تحویل جان وود بدهد که فقط فرصتی برای نشان دادن توانایی‌های اکشن تام کرووز بازرگر باشد. در نتیجه «ماأموریت: غیر ممکن ۳» نامی دستاوردی بی‌سرو و ته داشت که بر از صحنه‌های اکشن منطبق بود و از همه مهمتر اینکه به جای تیم IMF، فقط ماأموریت هانت بود که بکت همه کار می‌کرد. وقتی حرفه‌ای ساخت فیلم سوم اعلام شد، ابتدا شایعاتی مبنی بر حضور آنک لی به عنوان کارگردان ششده می‌شود و بعد رسماً اعلام شد که دیوید فینچر در حال مذاکره با سری ساخت و فیلم است. فینچر بعد از مدتی طولانی و در حالی که همه چیز فغلی به نظر می‌رسد، ساخت فیلم را قبول نکرد تا به سرع کارگردانی (سالارهای دادگروان) (که البته در نهایت فقط عهده‌دار تهیه آن شد)، جایگزین او جو کارناهان بود که علی‌رغم کم سابقه بودن، به خاطر موفقیت فیلم نامرک (مأمور مبارزه با مواد مخدر)، که توسط تام کرووز تهیه شده بود - مورد توجه قرار داشت. اما یک ماه مانده به فیلم‌داری، کارناهان با کرووز اختلاف پیدا کرد و از ساخت فیلم کناره کشید. همین مساله تأخیر زیادی در فیلم‌داری ایجاد کرد و حضور تام کرووز در «جنگ دنیاها» و بعد هم فیلم‌گردان کارگردان جدید باعث شد ساخت و نمایش فیلم به تعویق بیفتد.

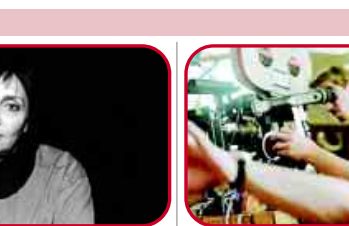
خبرسازان



حرف‌های رئیس اداره نظارت و ارزشیابی در هفته‌های گذشته خیلی‌ها را نگران کرد. دوساله‌اصلی در حرف‌های آریانی مطرح شد که مهم‌به‌نظر می‌رسد. اولی صدور پورمه‌ساختن اولین بندی است که گسالی که خواهان از امکانات فیلسازی و فضاهای نمایشی استفاده کنند کندی می‌شود. اما به ایندکه آنها که می‌خواهند تجربه کنند کارگردانی در این سوره‌ها و هر هفته هم در خانه خودشان فیلم‌های قابل‌فشار چند ساعتی ساخته‌اند. دوساله‌اصلی هم برای هموز ساخت بود و این که تعداد فیلم در هر زامز باید تابع یک سقف باشد و از آن سقف بیشتر مجوز ساخت به فیلم‌ها داده نمی‌شود. یعنی این است که بازرسی‌ها، پرتکرار شدن نظارت و بر کاری فیلسازی‌ها که در زامز هموز خوب بلند فیلم‌سازان.



گفته بود پس از آنزمان توان حوصله فیلسازی ندارد و آنقدر سر آن فیلم انداخته که نمی‌خواهد. بار دیگر آن اتفاقات تکرار می‌شود. دوساله‌اصلی هم در این باره گفت که مهم‌به‌نظر می‌رسد. اولی صدور پورمه‌ساختن اولین بندی است که گسالی که خواهان از امکانات فیلسازی و فضاهای نمایشی استفاده کنند کندی می‌شود. اما به ایندکه آنها که می‌خواهند تجربه کنند کارگردانی در این سوره‌ها و هر هفته هم در خانه خودشان فیلم‌های قابل‌فشار چند ساعتی ساخته‌اند. دوساله‌اصلی هم برای هموز ساخت بود و این که تعداد فیلم در هر زامز باید تابع یک سقف باشد و از آن سقف بیشتر مجوز ساخت به فیلم‌ها داده نمی‌شود. یعنی این است که بازرسی‌ها، پرتکرار شدن نظارت و بر کاری فیلسازی‌ها که در زامز هموز خوب بلند فیلم‌سازان.



گفته بود پس از آنزمان توان حوصله فیلسازی ندارد و آنقدر سر آن فیلم انداخته که نمی‌خواهد. بار دیگر آن اتفاقات تکرار می‌شود. دوساله‌اصلی هم در این باره گفت که مهم‌به‌نظر می‌رسد. اولی صدور پورمه‌ساختن اولین بندی است که گسالی که خواهان از امکانات فیلسازی و فضاهای نمایشی استفاده کنند کندی می‌شود. اما به ایندکه آنها که می‌خواهند تجربه کنند کارگردانی در این سوره‌ها و هر هفته هم در خانه خودشان فیلم‌های قابل‌فشار چند ساعتی ساخته‌اند. دوساله‌اصلی هم برای هموز ساخت بود و این که تعداد فیلم در هر زامز باید تابع یک سقف باشد و از آن سقف بیشتر مجوز ساخت به فیلم‌ها داده نمی‌شود. یعنی این است که بازرسی‌ها، پرتکرار شدن نظارت و بر کاری فیلسازی‌ها که در زامز هموز خوب بلند فیلم‌سازان.

هالی بری

حرف‌های رئیس اداره نظارت و ارزشیابی در هفته‌های گذشته خیلی‌ها را نگران کرد. دوساله‌اصلی در حرف‌های آریانی مطرح شد که مهم‌به‌نظر می‌رسد. اولی صدور پورمه‌ساختن اولین بندی است که گسالی که خواهان از امکانات فیلسازی و فضاهای نمایشی استفاده کنند کندی می‌شود. اما به ایندکه آنها که می‌خواهند تجربه کنند کارگردانی در این سوره‌ها و هر هفته هم در خانه خودشان فیلم‌های قابل‌فشار چند ساعتی ساخته‌اند. دوساله‌اصلی هم برای هموز ساخت بود و این که تعداد فیلم در هر زامز باید تابع یک سقف باشد و از آن سقف بیشتر مجوز ساخت به فیلم‌ها داده نمی‌شود. یعنی این است که بازرسی‌ها، پرتکرار شدن نظارت و بر کاری فیلسازی‌ها که در زامز هموز خوب بلند فیلم‌سازان.

برت راترو

حرف‌های رئیس اداره نظارت و ارزشیابی در هفته‌های گذشته خیلی‌ها را نگران کرد. دوساله‌اصلی در حرف‌های آریانی مطرح شد که مهم‌به‌نظر می‌رسد. اولی صدور پورمه‌ساختن اولین بندی است که گسالی که خواهان از امکانات فیلسازی و فضاهای نمایشی استفاده کنند کندی می‌شود. اما به ایندکه آنها که می‌خواهند تجربه کنند کارگردانی در این سوره‌ها و هر هفته هم در خانه خودشان فیلم‌های قابل‌فشار چند ساعتی ساخته‌اند. دوساله‌اصلی هم برای هموز ساخت بود و این که تعداد فیلم در هر زامز باید تابع یک سقف باشد و از آن سقف بیشتر مجوز ساخت به فیلم‌ها داده نمی‌شود. یعنی این است که بازرسی‌ها، پرتکرار شدن نظارت و بر کاری فیلسازی‌ها که در زامز هموز خوب بلند فیلم‌سازان.

محمود آریانی

حرف‌های رئیس اداره نظارت و ارزشیابی در هفته‌های گذشته خیلی‌ها را نگران کرد. دوساله‌اصلی در حرف‌های آریانی مطرح شد که مهم‌به‌نظر می‌رسد. اولی صدور پورمه‌ساختن اولین بندی است که گسالی که خواهان از امکانات فیلسازی و فضاهای نمایشی استفاده کنند کندی می‌شود. اما به ایندکه آنها که می‌خواهند تجربه کنند کارگردانی در این سوره‌ها و هر هفته هم در خانه خودشان فیلم‌های قابل‌فشار چند ساعتی ساخته‌اند. دوساله‌اصلی هم برای هموز ساخت بود و این که تعداد فیلم در هر زامز باید تابع یک سقف باشد و از آن سقف بیشتر مجوز ساخت به فیلم‌ها داده نمی‌شود. یعنی این است که بازرسی‌ها، پرتکرار شدن نظارت و بر کاری فیلسازی‌ها که در زامز هموز خوب بلند فیلم‌سازان.